



بررسی اصل تربیتی «تسهیل و تیسیر» در احکام و فروع عبادی

مهری رضایی (نویسنده مسئول)*

مریم وفادار**

چکیده

تسهیل و آسان‌گیری به ویژه در احکام عبادی، بسیار حائز اهمیت است. بنیاد مشروعیت قاعده «ترخیص» و اصل «تسهیل» بر قاعده «لاضرر»، «لاخرج»، «تمکن»، «تدرج»، «میسور» و... واقع شده است. غایت اخذ به احکام سهل، محافظت از مقاصد شریعت و التزام بر تدبیر مصالح عام و فلسفه و حکمت احکام است. همچنین رعایت مصالح عامه مردم و نه مصالح خاص در معاملات، عقوبات، ادای اموال و روابط ناشی از نکاح باید معیار انتخاب احکام سهل‌تر باشد. تحمیل الزامات شدید و شاق فقهی در دنیای امروز که به سوی تقلیل‌گرایی در تکالیف متمایل است، باعث کناره‌گیری هر چه بیشتر از دین است. بنابراین رویکرد مبتنی بر تسهیل در مواضع «فقدان نص» و «منطقه فراغ» از ضرورت‌های انکارناپذیر جوامع اسلامی است. مصلحت تسهیل چندان ضروری و مهم است که شرع مقدس، در مواردی از احکام واقعی خود صرف نظر می‌کند و مردم می‌شود تا مبدا اصرار بر رعایت احکام واقعی (رعایت احتیاط) بدون در نظر گرفتن زمینه‌های مناسب اعتقادی فرهنگی و اجتماعی به عوارض منفی از قبیل دین‌گریزی بینجامد. چنان که فقها و علمای بزرگ اصولی شیعه نیز مصلحت تسهیل و ترغیب را از مصلحت ملاکات واقعی احکام که از دست می‌رود قوی‌تر و مهم‌تر دانسته‌اند. اصل تسهیل به عنوان یک اصل راهبردی در استنباط احکام شرعی است. لذا هر اقدام تربیتی باید دارای این اصول باشد اعتدال تمکن تیسیر و تسهیل چنانچه این اصول رعایت نگردد اثرات مخربی بر تربیتی وارد می‌شود.

کلید واژه‌ها: قواعد فقهی، اصل تسهیل، اصل تیسیر، عبادات، تربیت.

* دانش‌پژوه کارشناسی‌ارشد فقه خانواده جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان/

m.bahr.7214@Gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی، مدرسه عالی خاوران، جامعه المصطفیٰ العالمیه

خراسان/ maryam_vafadar@miu.ac.ir



مقدمه

«تسهیل» به معنای آسان‌گیری به ویژه در احکام عبادی و فروعات آن است. زیرا دأب و سنت الهی بر سهولت و آسانی احکام شرعی برای مکلفان است تا همگان به آن ملتزم شده و در مسیر عبودیت و طاعت الهی گام بردارند. تمامی اقدامات تربیتی ضروری است به گونه‌ای باشد که آسان و میسر باشد و روش‌های ارائه آن به شکل اعتدال و تمکن انجام عمل به صورت تدریجی باشد، زیرا کسی که هر یک از این اصول را رعایت نکند خلاف سنت خدای متعال و پیامبر اکرم ﷺ است و اثرات مخربی بر متریان دارد. جوامع انسانی پیوسته در حال تغییر و تحول هستند و با این تحولات نیازهای جدیدی به وجود می‌آید که اگر پاسخ داده نشود زندگی بشر مختل می‌گردد. برای پاسخ به نسل جدید که باید با آن‌ها با رفق و مدارا برخورد کرد می‌طلبد که در بیان احکام تسهیل و تمکن و تدریج را رعایت کرده تا باعث دلزدگی و بیزاری از دین نشود. دین مبین اسلام بالاخص فقه شیعی انعطاف دارد و در هر زمان و مکانی پاسخگوی نیازهای بشر می‌باشد. اصل تسهیل دست فقیه را در استنباط حکم شرعی در شرایط ویژه باز گذاشته و این انعطاف و سازگاری با زمان و مکان، پویایی فقه شیعی را به وضوح نشان می‌دهد، زیرا در هیچ حالتی مکلف را بدون تکلیف و متحیر قرار نداده، بلکه مسیر او را به شکل سهل و آسان تبیین کرده و فرایند وصول به کمال را تسریع می‌بخشد.

پژوهش حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای نگارش یافته است. طبق بررسی‌های انجام شده، در این حوزه پژوهشی، مقاله‌ای با عنوان «تسهیل محوری ویژه در احکام زنان و آثار مثبت تربیتی آن در خانواده» و مقاله «نظریه رخص شرعی در فقه امامیه» نگاشته شده است. نوآوری این پژوهش بررسی اصل تسهیل به عنوان یک اصل تربیتی و اثبات آن از قواعد فقهی به عنوان یک اصل راهبردی در استنباط احکام شرعی است. بر این اساس، مقاله پیش‌رو با هدف پاسخ به سؤالات ذیل تدوین شده است:



- ارتباط اصل تسهیل تربیتی با احکام و فروع عبادی چیست؟
- اصل تسهیل در کدام قواعد فقهی جاری است؟
- اصل تسهیل با کدام یک از ادله فقهی ثابت می گردد؟
- ابتدا لازم است مفاهیم اصلی پژوهش تعریف و تبیین شوند:

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. اصل

«اصل» واژه‌ای عربی و به معنای بیخ، پی، بنیاد، نژاد، جمع آن اصول است. (عمید، ۱۳۹۴: ۱۸۵)

۱.۲. تربیت

تربیت از ماده «و ربتة و ربته: حنثه» به معنای حضانة (ولایت و سلطنت بر تربیت طفل). (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۸/۲۵۷).

«ر ب و» به معنای تغذیه دادن، زیاد شدن، کثرت، رشد و علو است و از ماده «ر ب ب»، اصلاح، تعهد و حسن تدبیر، ایجاد چیزی و به تدریج تکامل بخشیدن به آن تا رساندن آن به حد تمام و کمال بیان شده است. با ملاحظه این معانی، «ر ب و» در غالب موارد ناظر به تغذیه و رشد جسمانی و مادی و «ر ب ب» بیشتر ناظر به پروراندن و به کمال رساندن دیگر ابعاد است. به نظر می‌رسد ریشه «ر ب ب» به دو دلیل برای واژه تربیت مناسب نیست؛ اینکه مصدر مضاعف باب تفعیل، بیشتر بر وزن تفعیل است نه تفعله و اینکه اصل در قواعد صرف عربی عدم اعلال است؛ اما چنانچه مصدر «تربیب» مد نظر باشد باید با اعلال به «تربیت» تبدیل شود. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/۱۲۲-۱۲۱)



در تعریف تربیت، می‌توان «تغییر و تحول تدریجی در گستره زمان» را عنصر جدایی‌ناپذیر مفهوم تربیت شمرد. بر این اساس، تربیت در اصطلاح چنین تعریف می‌شود:

فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر با هدف دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفت‌ها و رفتارهای او صورت می‌گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/۱۴۱)

تسهیل در لغت [ت] [ع مص، ا] نرم و آسان کردن، ساده کردن و تسهیلات، جمع آن است. (ابن منظور، ۱۳۷۵/۶۳۵)

منظور از اصل «تسهیل و تیسیر» این است که برنامه‌ها و اقدامات تربیتی باید اموری آسان و میسر باشد و مبتنی بر تکالیف شاق نباشد و راه‌هایی در تربیت گشوده شود که متربی با میل و رغبت در آن راه‌ها گام زند و با متربی از سر ملایمت و مدارا رفتار شود. معناشناسی اصل اعتدال اصل تدرج و تمکن اصل تسهیل و تیسیر تا بتواند راه تربیت را بر خود هموار کند و به اهداف تربیت دست یابد. سنت تربیت الهی چنین است و خدای مهربان شریعت خود را سهل و آسان قرار داده است تا همگان به کمالات الهی متصف شوند، سؤالاتی مطرح می‌گردد که آیا تسهیل با احتیاط در تقابل و تعارض است؟ پس آیات و روایات در باب تسهیل بیانگر چیست؟

در پاسخ این سوال باید بگوییم در باب تسهیل دو احتمال وجود دارد:

۱. آیات و روایات در صدد بیان حکم شرعی و علت حکم نیستند، بلکه حکمت آن را بیان می‌کنند و فقیه نمی‌تواند به عنوان اصل فقهی به آن تمسک کند.
۲. آیات و روایات در صدد بیان حکم شرعی و علت حکم هستند و علت را آن را بیان می‌کنند و فقیه می‌تواند به عنوان اصل فقهی به آن تمسک کند و مقلدان مطابق اصل تسهیل عمل کنند.

در نتیجه می‌توان گفت: «علی‌رغم آنکه احتیاط در بدو امر، امری مطلوب به نظر می‌رسد، اما در مجموع، براینده حاصل از اعمال شخص محتاط، مستلزم تحمل سختی و مشقت بر مکلف است که با فلسفه دین تعارض دارد. (اعرافی، ۱۳۹۸: ۱)

۲. اصل تسهیل به عنوان یک اصل تربیتی

در نظام تربیتی اسلام، اصولی وجود دارد که با رعایت آن‌ها، ارزش‌ها در جامعه رشد می‌کند و به شکوفایی می‌رسد. مهم‌ترین آن اصول براساس آیات و روایات عبارت است از:

۲.۱. اصل اعتدال

هر حرکت و فعل تربیتی که درصدد به فعلیت رساندن ارزش‌ها در وجود آدمی است، باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا مطلوب واقع شود، زیرا بهترین امور، اموری هستند که مزین به صفت اعتدال باشد، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خیر الامور اوسطها» (حکیمی، ۱/۱۳۷۰، مقدمه)، و به تعبیر حضرت علی علیه السلام: «الیمین و الشمال مظلة و طریق الوسطی هی الجاده، علیها باقی الکتاب و آثار النبوة». (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۸۰)؛ تنها راه نجات، میانه‌روی است.

در مقابل، افراط و تفریط مانع کمال است. تا زمانی که راه نیکوی اعتدال از افراط و تفریط آشکار نشود، حرکت به سوی کمال ناممکن خواهد بود. در سایه اعتدال است که ارزش‌های کمال‌ساز شکوفا خواهد شد. فلسفه اصرار پیامبر بر اعتدال (یا ایها الناس، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد) (الحدادی، ۱۴۲۶: ۱۶۰/۳، ح ۴۵۱۳) نیز شاید همین باشد.





۲.۲. اصل تدرّج و اصل تمکن

بهره‌گیری از تدرّج و ظرفیت و استعداد افراد یکی از شیوه‌های رایج تربیتی قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام است. خداوند از انسان‌ها به مقدار توانایی‌شان تکلیف خواسته و بیش از وسعتشان بر آنان مسئولیت تحمیل نکرده است: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا». (بقره: ۲۸۶)

افراد نیز بیش از توان و داشته‌هایشان مکلف نیستند:

- «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا». (بقره: ۲۳۲)

- «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا». (طلاق: ۷)

۲.۳. اصل تسهیل

مقصود از «تسهیل» در شیوه تربیتی قرآن و احادیث، آن است که در حرکت تربیتی، راه‌های آسان و میسر به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن در او فراهم شود. خداوند خود می‌فرماید: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ». (حج: ۷۸) از این رو، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «بعثت بالحنيفة السمحة السهلة». (مجلسی، ۱۳۶۳: ۶۴) به اصحاب نیز می‌فرمودند: «يسرّوا ولا تعسروا و بشرّوا ولا تنفروا». (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲: ۷۵ / ۴)

۲.۴. پرورش عقلانیت

از دیگر شیوه‌های اصلی پرورش ارزش‌ها در وجود متربی، پرورش عقلانیت است. برای تحقق این امر مهم، قرآن و معصومان علیهم‌السلام مخاطبان خود را به تعقل، تفکر، تفقه و تدبیر دعوت کرده، ضمن نهی از تقلید و پیروی کورکورانه از گذشتگان و یا اکثریت، به نکوهش کسانی می‌پذیرند که تعقل نمی‌کنند و مذمت کسانی که بدون دلیل چیزی را می‌پذیرند. (بقره:

۷۳ و ۲۴۲؛ انعام: ۱۵۱؛ اعراف: ۱۷۶؛ رعد: ۳۰؛ نحل: ۴۴؛ توبه: ۱۲۷؛ فتح: ۱۵؛ حشر: ۱۳؛ یونس: ۷۸؛ انبیاء: ۵۳)

۳. اصل تسهیل در ادله فقهی عبادی

۳.۱. اصل تسهیل در آیات

منظور از اصل تسهیل و تیسیر این است که برنامه‌ها و اقدامات تربیتی باید اموری آسان و میسر باشد و مبتنی بر تکالیف شاق نباشد و راه‌هایی در تربیت گشوده شود که متربی با میل و رغبت در آن راه‌ها گام زند و با متربی از سر ملایمت و مدارا رفتار شود تا بتواند راه تربیت را بر خود هموار کند و به اهداف تربیت دست یابد. سنت تربیت الهی چنین است و خدای مهربان شریعت خود را سهل و آسان قرار داده است تا همگان به کمالات الهی متصف شوند، زیرا سخت‌گیری در امر تربیت تأثیر منفی دارد چنان‌که فرموده است.

۱. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». (بقره: ۱۸۵)

خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برایتان دشواری نمی‌خواهد.

۲. «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...». (حج: ۷۸)

و در (راه) خداوند چنان که سزاوار جهاد (در راه) اوست جهاد کنید؛ او شما را برگزید و در

دین. که همان آیین پدرتان ابراهیم است هیچ تنگنایی برای شما ننهاد.

۳. «مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ

الْعُسْرَ...». (بقره: ۱۸۵)

آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرد! خداوند راحتی

شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را.

در آیه مذکور برداشته شدن وجوب روزه در دو زمان بیماری یا سفر ناشی از تسهیل در امور

عبادی است.





۴. «إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَا مَسْتَمِتَّ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ...» (مانده: ۶)

اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما از محل پستی آمده قضای حاجت کرده یا با آنان تماس گرفته و آمیزش جنسی کرده‌اید، و آب (برای غسل یا وضو نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت [پیشانی] و دست‌ها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند.

مستفاد از این آیه، حکم اولیه وضو یا غسل در برخی موقعیت‌ها مثل بیماری یا نیافتن آب به تیمم تغییر می‌یابد، درحالی‌که خداوند می‌توانست در این حالات نیز استفاده از آب و وضو و غسل را واجب گرداند. آیات دیگری نیز در نفی جعل حرج در دین و احکام وارد شده اند. (حج: ۷۸؛ توبه: ۹۱؛ نور: ۶۱)

۳. ۲. اصل تسهیل در روایات

آیین تربیت مبنای سنت الهی سهل و آسان است و راه تربیت فرزند نیز باید بر چنین آیینی استوار گردد. بنیانگذار این نظام تربیتی، رسول خدا ﷺ فرموده است:

۱. «بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ خداوند مرا بر شریعت و دین حنیف آسان و ملایم مبعوث کرده است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۹۴) تربیتی که بر امور شاق و آداب پرتکلف بنا گردد آسیب‌های جدی به تربی وارد می‌نماید و این‌گونه تربیت خلاف راه و رسم نبوی است، چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

۲. «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَةِ السَّمْحَةِ - أَوِ السَّهْلَةِ - وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» [من بر دین حنیف ملایم - یا آسان - مبعوث شده‌ام و هر کس با راه و رسم من مخالفت ورزد از من نیست.] (ری شهری، ۱۳۹۵: ۱/۲۱۲)

این روایت در بسیاری از کتب حدیثی معتبر شیعی و سنی آمده است.

رسول خدا ﷺ تأکید می‌کرد مسلمانان بر آیین تربیتی او عمل کنند و از راه و رسم تسهیل و تیسیر دور نشوند، چنان‌که می‌فرمود: «يَسِّرُوا وَ لَا تُعَسِّرُوا إِنِّي بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّمْحَةِ»؛ [«آسان بگیرید و سخت مگیرید که همانا من بر دین حنیف ملایم مبعوث شده‌ام»]. (نووی، ۱۴۱۲: ۱۱/۴۵۰)

راه و رسمی که بر تسهیل و تیسیر استوار باشد، زمینه رشد و تربیت تحقق می‌یابد و موجب ناخواهی و گریزپایی نمی‌شود. از این روست که پیشوایان دین چنین راه و رسمی را بهترین معرفی کرده‌اند.

۳. در آموزه‌های علوی آمده است: «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا سَهَّلَتْ مَبَادِيهِ وَ حَسَنَتْ خَوَاتِمَهُ وَ حُمِدَتْ عَوَاقِبُهُ»؛ بهترین کارها آن است که مبادی آن آسان، و اواخر آن نیکو، و عاقبت‌های آن ستوده باشد. (خوانساری، ۱۳۸۵: ۳/۴۳۷)

تسهیل و تیسیر در سال‌های نخستین زندگی و دوران کودکی از اهمیتی بیش‌تری برخوردار است، زیرا وجود آدمی لطیف‌تر است و به تسهیلی بیش‌تر نیاز دارد.

۴. از امام صادق عليه السلام روایت شده است که رسول خدا ﷺ چنین فرموده است: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ»؛ خداوند رحمت کند کسی را که فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری کند.

یونس بن رباط می‌گوید از حضرت پرسیدم: چگونه فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری کند؟ حضرت فرمود: «يُقْبَلُ مَيْسُورَةٌ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يَرْهُقُهُ وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ»؛ آنچه را که در توان اوست از او بپذیرد، و آنچه را که برایش طاقت فرساست از او نخواهد، و او را به تکلیف ما فوق طاقتش و ندارد، و او را دچار سرگشتگی و شرمندگی نسازد». (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۵۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۸/۱۱۳)

بنابراین فعل تربیتی، زمانی رشددهنده و سپردهنده به سوی نیکی است که از سخت‌گیری و خشونت به دور و بر سهل‌گیری و ملایمت استوار باشد.





۵. پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «رَفَعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةَ أَشْيَاءَ الْخَطَأَ وَالنِّسْيَانَ وَمَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَمَا لَا يَعْلَمُونَ وَمَا لَا يَطِيقُونَ وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ...» (حرعاملی، ۱۳۸۹: ۱۱/۲۹۵)
 از امت من نه چیز برداشته شده است؛ خطا، فراموشی، آنچه که بدان مکره شده‌اند، آنچه که نمی‌دانند آنچه که تحمل ندارند و آنچه که مضطر شده‌اند.

۶. پیامبر در ضمن حدیثی فرمود: «وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۹۴)

۷. امام موسی بن جعفر علیه السلام در پاسخ به سؤالی درباره جواز نماز در پوستینی که از بازار خریداری می شود و مذگی بودنش معلوم نیست، فرمود: «نَعَمْ لَيْسَ عَلَيْكُمُ الْمَسْأَلَةُ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ بِجَهَالَتِهِمْ إِنَّ الَّذِينَ أَوْسَعُ مِنْ ذَلِكَ» (تبریزی: ۱۳۰۵: ۱/۴۲۹) بله بر شما مسئله‌ای نیست.

۸. امام باقر علیه السلام می فرمود: خوارج به سبب نادانی شان بر خود سخت می گرفتند. به راستی که دین از این تنگ گرفتن‌ها وسیع تر است. این روایت گویای آن است که مجموعه دین و از جمله احکام آن، بر بنیان آسانی ریخته شده و بسیاری از تنگ گرفتن‌ها از ناحیه افراد کج اندیش است. علاوه بر این دلایل، بررسی خود احکام شرعی وضع شده، گویای این سهولت است، به گونه‌ای که اصل تسهیل در احکام شرعی در قالب یک قاعده با عنوان نفی عسر و حرج درآمده است. (طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۱۵۱)

۴. اصل تسهیل در قواعد فقهی و نظرات فقهای بزرگ اسلام

۱. قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه برای اثبات ترخیص به آن استناد می شود قاعده لاضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی قرار می گیرد. نکته اساسی در استناد به این قاعده برای اثبات تسهیل و ترخیص شرعی، دقت نظر نظریه «رخص شرعیه»

در فقه امامیه شارع در جعل و تشریح احکام شرعی است، به طوری که هیچ گونه تنگنایی را بر مکلف روا نمی‌بیند؛ خواه عسر و حرج باشد یا ضرر. قابل تأمل اینکه حتی اگر شارع تشخیص دهد که با استناد به حقوق مسلم شرعی و احکام فقهی کسی بخواهد ضرری بر دیگری وارد کند، در این زمان حق مسلم و حکم شرعی مرتفع می‌شود همان طور که در شرح ماجرای حدیث «لاضرر» نیز چنین است. از این رو تعبیر دقیق پیامبر گرامی اسلام ﷺ در بیان حدیث «لاضرر» با قید عام و وسیع به پایان می‌رسد؛ یعنی فی الاسلام؛ بنابراین جا دارد که به عنوان مبنایی برای نظریه اصل تسهیل به آن استناد شود.

۲.۴. قاعده لاحرج و قاعده نفی عسر و حرج

این دو قاعده کاربرد وسیعی در تمام ابواب فقه اعم از عبادات، معاملات و سیاست‌های جاری دارد. فقها تمام رخصت‌ها و تخفیفات شرعی را ناشی از این قاعده می‌دانند و در پرتو این قاعده روشن می‌شود که شریعت اسلام تنگ‌نظر و سخت‌گیر نیست و احکامش با فطرت انسانی مطابق و موافق است.

۲.۴.۱. احتمالات موجود در معنای «ما جعلَ عَلَیْكُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ»

۱. احتمال اول؛ «ما جعل علیکم فی الدین من خرج ای لیس فی دین الإسلام ما لاسبیل إلی الخلاص و من حرج، ای من ضیق لامخرج له و لامخلص من عقابه». (طوسی، ۱۴۰۹: ۳۰۵/۷؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ۸۷/۹۷)

به این معنا که در دین اسلام کاری که آدمی را در تنگنا و سختی قرار دهد به صورتی که نتواند چاره‌ای برای رهایی از آن بیندیشد، وجود ندارد.

۲. احتمال دوم؛ خداوند به قرینه «هو اجتبلکم» می‌فرماید که امت مسلمان را از میان سایر امتها برگزیده و این امت مورد رحمت است. «حرج، در این احتمال، به معنای «اِصْر» - جمع «اِصْر»- است. واژه «اِصْر» به فشار سنگینی گناه و حبس همراه فشار معنا شده است و





مراد از آن احکام ضیق‌آور و مشقت‌بار است. خداوند با این آیه درصدد آن است که اصرار و حرجی را که بر بنی اسرائیل بوده است، از مسلمانان نفی کند. اصرار بنی اسرائیل این بوده است که اگر توبه می‌کردند لازم بود که خود را بکشند.

۱. قال رسول الله ﷺ: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». (شهید ثانی: ۱۳۴۶/۲۶۹)

۲. «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ و مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...» (حج: ۷۸)

تا توبه‌شان قبول شود یا آنکه نمازشان در مکان معینی قبول می‌شده است و موارد دیگری که در روایات بیان شده است. (طبرسی، ۱۳۸۶: ۱/۴۹۷) خداوند با این آیه بیان می‌دارد که این اصرار برای مسلمانان جعل نشده است.

۳. احتمال سوم؛ اینکه آیه شریفه بر رخصت‌هایی دلالت می‌کند که در موارد ضرورت شارع اجازه داده است. به عنوان مثال شارع بیان می‌کند که اگر نمی‌توانی نماز را به صورت ایستاده بخوانی آن را در حالت نشسته بخوان یا آنکه اگر با آب نمی‌توانی وضو بگیری تیمم کن. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵/۳۶)

مفاد قاعده لاجرح و نسبت آن با رخصت شرعیه شکی نیست که قاعده لاجرح بر اساس ملاکی از سوی شارع جعل شده که نمیتوان گفت مجرد امتنان است بلکه به نظر می‌رسد ملاک این، قاعده تسهیل بر مکلفان از طریق اعمال اراده مولوی در تشریح بوده است. این عنوان به خوبی از ادله و مدارک قاعده استفاده می‌شود؛ به ویژه با توجه به آیه شریفه «یرید الله بکم الیسر» (بقره: ۱۸۵) که از ادله این قاعده است.

قواعد فقهی که می‌توان برای اثبات اصل تسهیل به آن‌ها تمسک کرد عبارت‌اند از:

- قاعده اکراه؛

- قاعده قبح عقاب بلا بیان؛

- قاعده اضطرار؛

- قاعده جبر؛

- قاعده میسور؛

- قاعده مشقه تجلب التیسیر.

در کتب فقهی درباره این قواعد به طور مفصل بحث شده و به مجاری آن‌ها پرداخته شده است که پرداختن به آن‌ها از مجال این پژوهش خارج است، ولی محتوای کلی این قواعد مذکور و نحوه استدلال آن‌ها با قاعده «لا حرج و لا ضرر» که اشاره شد، مشابه است؛ نتیجه همه آن‌ها عدم اراده سختی و مشقت از جانب شارع مقدس برای بندگان است.

۱. امام خمینی علیه السلام نیز معتقدند مشروعیت تیمم به جهت تسهیل مکلفان است و نکته مهم در تشریح تیمم را تسهیل دانسته‌اند. (امام خمینی، ۱۴۱۸: ۱۳/۲)

باید توجه داشت که عنوان تسهیل اعم از امتنان است؛ به این معنا که شاید در موردی تسهیل باشد، اما امتنان وجود نداشته باشد یا حتی جعل حکم، خلاف امتنان نباشد اما خلاف تسهیل باشد و شارع به عنوان اینکه خصوصیت و ویژگی این دین آسان بودن آن است تا در مجموع، پذیرش آن برای انسان‌ها بهتر و سریع‌تر باشد.

۲. این مطلب از ظاهر و بلکه صریح کلام مرحوم محقق خوانساری نیز استفاده می‌شود (خوانساری، ۱۳۵۵: ۶۳/۳) در هر موردی که ملاک تسهیل بر ملاک لزومی (اعم از وجوب و حرمت) مقدم باشد، در آن مورد قاعده لا حرج جریان دارد و در مواردی که ملاک وجوبی یا تحریمی بر ملاک تسهیل مقدم باشد دیگر قاعده لا حرج در آن جاری نخواهد بود. با این بیان روشن می‌شود که قاعده لا حرج هم در واجبات و هم در محرمات جریان دارد، اما در همه آن‌ها جاری نیست، بلکه نسبت به برخی از آن‌ها با وجود اهمیت ملاک جریان دارد. همچنین در مواقع شک در حرج قاعده الاخرج کارگر نمی‌افتد، ولی اصل سهولت کارساز خواهد بود؛ یعنی اگرچه نتوان با «لا حرج» حکم را از روی آنچه حرجش مشکوک است، برداشت، با اصل تسهیل می‌توان آن حکم را از اسلام زدود.

از طرفی، قاعده الاخرج بیشتر شخصی است و حرج‌های فردی را برطرف می‌کند، ولی اصل تسهیل کلی است؛ یعنی در مجموع تکالیف برای مکلفان کلفت‌آور نیست و آنان به





راحتی از عهده انجام دادن آن‌ها بر می‌آیند که این مطالب از آیه «یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر» نیز استفاده می‌شود.

لحن این آیه با آیه‌های «ما جعل علیکم فی الدین من حرج..» و «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج» متفاوت است، زیرا در اولی یسر و آسانی اراده شده و در دومی و سومی، حرج (سختی شدید و مشقت) نفی شده است و چنان‌که مشخص و ظاهر است، اولی اعم از دومی و سومی است. همچنین وقتی به امور مطرح شده در آیه بنگریم، همین مطلب روشن می‌شود؛ زیرا «علی الذین یطیقونه» وجوب روزه را از اهل اطاقه برداشته و روشن است که اطاقه به معنای نداشتن یا عاجز بودن نیست، بلکه به صورت افراد کم‌طاقت معنا می‌شود. در روایات نیز از الشیخ الکبیر (حر عاملی، ۱۳۶۱: کتاب الصوم) با عنوان مصادیق افراد کم‌طاقت نام برده شده است. این افراد با کمی سختی می‌توانند روزه بگیرند و اغلب افراد سالمند در زمان، ما این مقدار از سختی را تحمل می‌کنند و روزه می‌گیرند، همچنین بیمار و مسافر که روزه گرفتن برای آنان کمی سختی دارد، با این حال، آیات شریفه روزه آنان را به ایام دیگر موکول کرده است.

۳. و سختگیری‌ها با کرم خدا و رأفت و مهربانی او به بندگان ناسازگار است. (نجفی، ۱۳۶۵: ۵۰/۱۳)

۴. صاحب جواهر در فتوای به وجوب آغاز طواف از حجرالاسود، به گونه‌ای که باید همه اعضای بدن از برابر تمام حجرالاسود بگذرد، افزون بر زحمت‌ساز خواندن این فتوا، آن را ناسازگار با سماحت و سهولت شریعت بر می‌شمرد و چنین می‌نویسد:

پیدا است که احتیاط به مشقت می‌انجامد و خاستگاه وسواس می‌شود و از کارهای زشت به شمار می‌آید همان گونه که در مسئله نیت نماز بنا بر اینکه خطور به ذهن را لازم بدانیم، برخی از مردم کارهایی می‌کنند که به کار دیوانگان می‌ماند. (نجفی،

۱۳۶۵: ۲۹۰/۱۹)

۵. شیخ انصاری بر این باور است که روش احتیاط لزوم انجام دادن و ترک هر چه احتمال وجوب و حرمت دارد در شریعت اسلامی بنا بر اجماع قطعی پذیرفته شده نیست (قابل به برایت اند) عمل به احتیاط و نیز آموختن و آموزش دادن موارد احتیاط یا جداسازی موارد تعارض و ترجیح برخی بر برخی دیگر را برای مجتهدان و مقلدان، ناشدنی و فروپاشنده زندگی برمی شمرد و آن را عسر و حرج انگیز و ناسازگار با مقاصد اسلام و روح شریعت می داند. (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۹۵-۱۹۴)

۶. آیت الله خویی نیز حکمت تشریح تدریجی احکام دینی را تسهیل دینداری بر مردم و رغبت و تمایل آنان به دین دانسته و معتقد است این مصلحت تسهیل و ترغیب، از مصلحت ملاکات واقعی احکام که از دست می رود، قوی تر و مهم تر است. (خویی، ۱۴۱۷: ۵/۴۸۳) ایشان در عبارت فوق به این نکات اشاره کرده اند:

أ) تسهیل بر مردم یک مصلحت مهم است؛

ب) شرع مقدس خود را به رعایت این مصلحت ملزم می داند؛

ج) در سختی و تنگنا قرار دادن مردم، به نفرت از دین و دین گریزی می انجامد؛

د) برای رعایت این مصلحت گاه باید از مصلحت احکام واقعی صرف نظر و از طرح آن ها چشم پوشی کرد؛ زیرا رعایت جاذبه دین توأم با تسهیل از رعایت احکام واقعی خداوند، مهم تر است.

۷. مرحوم اردبیلی، پوشاندن پاهای زن تا قوزک پا را در نماز لازم نمی داند و در ضمن استدلال بر آن اظهار می کند:

أيضاً الشريعة السهلة و نفى الحرج والصيق عقلا و نقلاً يدل عليه و ايضا العادة،
سيما في القرى والبد و جار بعدم ستر القدمين من غير نقل المنع عنهم عليه السلام ولا عن
أهل العلم عن ذلك ولان الغالب ليس عندهم القدرة على ذلك الا بالتعب
فالتكليف بعيد. (اردبیلی، ۱۴۱۲: ۲/۱۰۵)



مقتضای اصل سهولت در شریعت و نیز نفی حرج که از پشتوانه عقلی و شرعی بهره مند است عدم وجوب ستر پاهاست علاوه بر آنکه متعارف در روستاها و بیابانها آن بوده و هست که زنان پاهای خود را [تا فوزک پا] نمی پوشانده اند و از ائمه علیهم السلام و عالمان دینی منع و ردعی صادر نشده است. نکته دیگر آنکه آنان قدرت رعایت این گونه حجاب را جز با سختی و مشقت نخواهند داشت و چنان تکلیفی بعید به نظر می رسد.

در نهایت محقق اردبیلی اظهار کرده است: «و نیز اخباری بر جواز برهنه بودن سر کنیزان و دختران دلالت می کنند، چنانکه جمع بیان ادله حمل بر استحباب را برمی تابد». (اردبیلی، ۱۴۱۲: ۱۰۵/۲-۱۰۴)

۸. صاحب جواهر به مناسبت بحث از حکم نماز در خانه و ملک غضبی می نویسد:

عجیب و غریب است که برخی از متفقهان و حتی شماری از استادان روزگار ما گفته اند کسی که در مکان غضبی به زور زندانی شده است اگر بخواهد نماز بخواند واجب است که نماز را به همان حالت و کیفیت لحظه ورودش به مکان غضبی بخواند. برای نمونه اگر ایستاده بوده، نماز را ایستاده باید بخواند و اگر نشسته بوده، نشسته و حق ندارد آن وضعیت را به هم زند. فتوا دهنده که چنین فتوایی داده در نیافته که عمل کننده به آن فتوا، شکنجه ای را که بر زندانی مظلوم روا می دارد هر آینه بیشتر است از آنچه ظالم بر سر او در می آورد... خدا فقه را از شر این گونه خرافات بیالاید! (نجفی، ۱۳۶۵: ۸/۳۰۰) در مسئله قضای نمازهای فوت شده دو دیدگاه وجود دارد یکی قضای نماز را واجب مضیق برمی شمرد و دیگری موسع.

۹. علامه حلی در مختلف الشیعه در رد لزوم ترتیب قضای فوائت آورده است ترتیب موجب مشقت عظیم و حرج فراوانی است که پذیرفتنی نیست... .

به دلیل نظریه رخص شرعیه در فقه امامیه صاحب جواهر نیز با بیان اشکالهایی نظریه تضییق به اصل سهولت و سماحت شریعت و نفی عسر و حرج و پدید آمدن زمینه وسواسی

دینداران اشاره می‌کند و می‌نویسد: «این فتوای زحمت‌سان با لطف رحمت حکمت خدا نمی‌سازد که این گونه فشار بدارد، قبیح به نظر می‌رسد». (همان: ۲۰) ایشان بر اصل سهولت و سماحت به عنوان اصلی راهبردی در عملیات اجتهاد و استنباط حکم تأکید کرده است و آن را در سلسله علل حجیت امارات قرار می‌دهد. (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۸/۷۶)

۱۰. سید احمد خوانساری در «جامع المدارک» آورده است:

هنگامی که ولی دختر باکره از ازدواج با کسی که هم کفو دختر است، منع کند، با اینکه دختر خواستار ازدواج است دیگر رضایتش معتبر نیست و دختر می‌تواند ازدواج کند. (خوانساری، ۱۳۵۵: ۴/۱۶۲)

ایشان دلیل این مسئله را نبودن نهی پیرامون نیاز به اذن ولی می‌داند و سپس به ذکر سایر دلیل‌ها از جمله تمسک به قاعده «لاضرر» و «لاخرج» و گستره شریعت سهله و سمحه می‌پردازد.

۵. فروعات نفی حرج (اصل تسهیل)

تمام مجوزات اضطراری شرع به این قاعده بر می‌گردد؛ مثل خوردن مردار در اضطرار، مخالفت قولی و فعلی و نه اعتقادی با حق به خاطر تقیه زمانی که ترس بر جان ناموس و مال می‌رود؛ چه برای نزدیکان و چه برای برخی مومنان. از این موارد است:

۱. تبدیل نماز ایستاده به نشسته در نمازهای واجب هنگام اضطرار و در نمازهای مستحب دائماً و در نماز احتیاط غالباً؛
۲. تقصیر در نماز و روزه برای راحتی اگر چه احتمال سفر برود؛
۳. مسح بر سر و پا به کمترین حالت؛
۴. ترک نماز جمعه در سفر؛
۵. اباحه بسیاری از ممنوعات حرام در صورت قربانی؛



۶. اباحه افطار روزه برای زن، حامله زن، شیرده پیر مرد پیرزن و کسی که تحمل تشنگی برایش طاقت فرساست؛
۷. استفاده از نجاسات و محرّمات به عنوان دارو در هنگام اضطرار؛
۸. امکان نیابت گرفتن حج واجب برای ضعیف مریضی که از شفای خود ناامید شود؛
۹. جمع بین دو نماز در سفر، هنگام باران ترس و عذر داشتن البته بدون کراهت؛
۱۰. اباحه استفاده از مال دیگران و پرداخت قیمت آن در صورت امکان و حتی بدون پرداخت قیمت، در صورت عدم امکان وقتی که مال نزدیک به هلاک شدن است. اینها مهم ترین تفریعات بود که با بحث ما تطبیق دارد. (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۷۸)

نتیجه:

از مطالب بیان شده در این پژوهش نتایج زیر به دست آمد:

احکام دو قسم اند؛ برخی احکام شرعی ثابت، و برخی متغیر هستند. احکام ثابت در حالت عادی و متغیر برای شرایطی است که فرد دچار عسر و حرج و اضطراب شده است. فقه شیعی در این شرایط نیز احکام مخصوص ارائه داده تا فرد در اثر و حرج نباشد و این نشانه پویایی فقه شیعه است، چنانکه خوارج با عدم توجه قاعده تسهیل دین را برخورد سخت گرفتند و باعث گمراهی شان شد، زیرا افراط و تفریط در دین مبین اسلام مذموم است. سنت الهی بر تسهیل نسبت به بندگان بوده است، زیرا هدف از خلقت بشر، کمال است که این مهم فقط از مسیر عبادت و بندگی خدا محقق می شود، اگر در شرایط خاص مانند اضطرار، عذر و حرج و جهل و... مکلف قادر به انجام تکالیف عبادی خویش نباشد، عملاً این هدف و امر الهی امثال نشده و این با حکمت الهی سازگار نیست.

تسهیل و تیسیر از باب سستی و سهل انگاری و ضعف دین نیست، بلکه نقطه قدرت آن است که در شرایط ویژه ای برای مکلفان قانون و احکام ثانویه ارائه می دهد تا مکلف متحیر نباشد.

رعایت اصول تربیتی از قبیل تسهیل سیر و تمکن و تدرج در ترغیب و اشتیاق متریبان به عبادت و اطاعت پروردگار اثر بسزایی دارد.

منابع:

قرآن کریم

۱. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۲)، مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الازهان شرح ارشاد، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵)، اجتهاد و تقلید، قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق عرفان.
۳. اعرافی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۵)، فقه تربیتی، چ ۳، قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق عرفان.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۹)، فرائد الاصول، الطبعة الاولى، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۵. تبریزی، میرزا جواد (۱۳۰۵)، تنقیح مبانی العروة الطهارة، قم: دار الصدیقه الشهیده.
۶. جوادی آملی، عبداللّه (۱۴۰۰)، مراحل اخلاق در قرآن، قم: اسراء.
۷. حدادی، زین الدین محمد (۱۴۲۶)، فیض الغدیر شرح جامع الصغیر، بیروت: دارالکتب العربیه.
۸. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۱)، وسائل الشیعة، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: اسلامیة.
۹. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹)، وسایل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۰)، الحیاء، مقدمه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. خوانساری نجفی، موسی و محمد حسین نایینی (۱۴۱۸)، منیة الطالب فی شرح المکاسب، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۲. خوانساری، جلال الدین محمد (۱۳۸۵)، شرح غرر الحکم، چ ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.





۱۳. خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۲، تهران: مکتبه الصدوق.
۱۴. واعظ حسینی بهسودی، سید محمد سرور (۱۳۹۴)، مصباح الاصول، تقریرات درس خارج اصول آیت الله خویی، قم: داوری.
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، سیره نبوی، تهران: دریا.
۱۶. شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۸)، «اجتهاد؛ سیاست شرعی؛ تیسیرگرایی»، مجموعه مقالات همایش اجتهاد در دنیای معاصر، قم: دانشگاه مذاهب اسلامی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، محقق / مصحح: حسن الموسوی خراسان، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: النشر الاسلامی.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸)، العین، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۲. لنکرانی فاضل، محمد (۱۳۸۵)، الخلاف (قاعده لاحم) قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت: دار التراث العربی.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵)، میزان الحکمه، ج ۱۵، قم: موسسه دار الحدیث العلمیه و الثقافیه.
۲۵. مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰)، قواعد فقه (۲)، ترجمه عزیز الله فهیمی، تهران: المیزان.
۲۶. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۸)، تحریر الوسیله، ج ۱۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام، قم: دار الکتب الإسلامیه.